

# نمایش در ایران

از بهرام بیضائی



-۱۰-

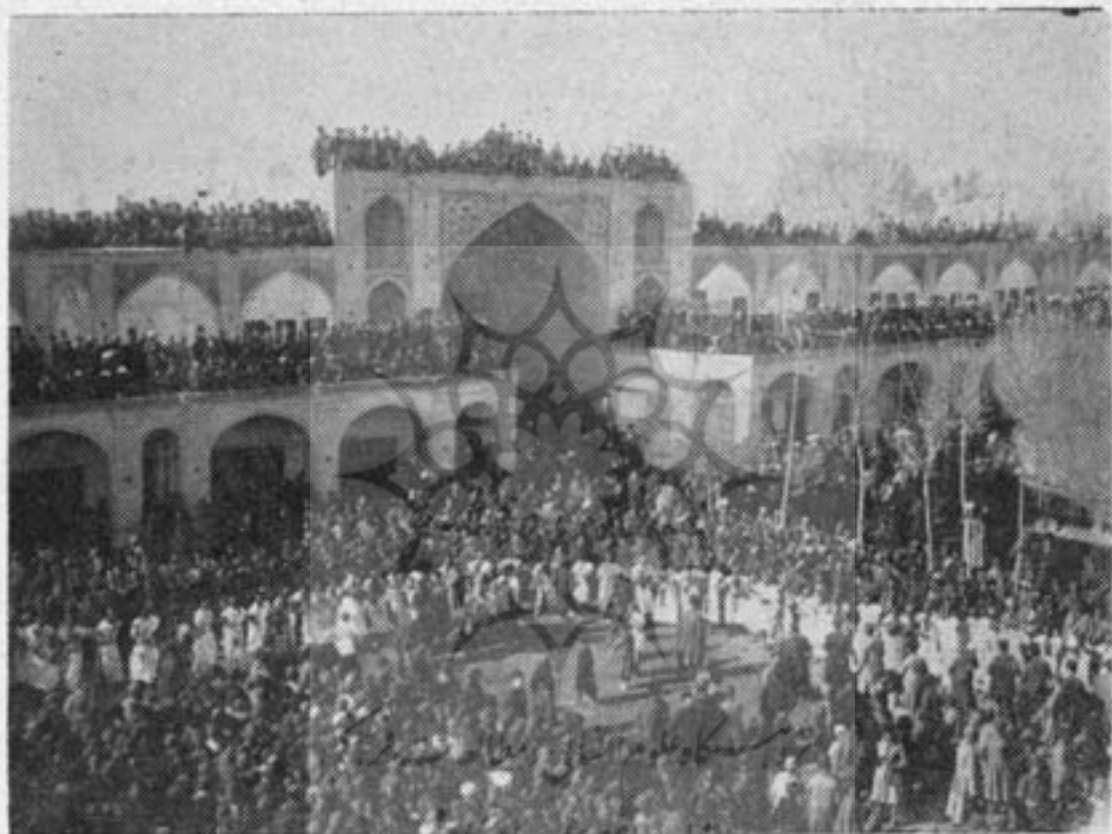
دسته های عزاداری

پروژه سوم علمی و مسابقات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

براه انداختن دسته های عزاداری - که ظاهراً تماماً مذهبی هستند - در ایران سابقه طولانی دارد. این سنتی است که پیش از اسلام هم وجود داشته ( رجوع شود به ماجرای نوحه برای مرگ سیاوش ) ، و بنظر این نگارنده هیچ بعید نیست که این سنت نتیجه همان روحیه عزاداری باشد که حین انتقال برخی عناصر فرهنگ بین النهرین به ایران، به سرزمین مارسیده، خصوصاً که شباهتهائی هم بین شکل برگزاری برخی از مراسم مربوط در بین النهرین و ایران وجود داشته و دارد. بهر حال؛  
دسته های عزاداری اشکال مختلف دارند، و معمول ترین آنها دسته های

سینه زنی، زنجیر زنی، شام غریبان، سنگ کوبی و غیره بوده است. شکل‌های اولیه این مراسم عزاداری بنا بر استنتاج عبدالله مستوفی<sup>۱</sup> که با مدارک هم تقریباً میخواند از زمان عضدالدوله دیلمی آغاز شده، یا بقولی توسعه یافته، و ما از شرح دقیق آنها می‌گذریم زیرا که بطول می‌انجامد (و جایش هم اینجا نیست و در یک اتود فولکلوریک است)، ولی بهر حال این مراسم مورد توجه از اولین تا آخرین سیاحان اروپائی که پا به ایران گذاشته‌اند و



ترتیب نمایشی در قه‌ زنی  
( عکس از: فتوت‌های )

باچشمان دقیق و تیزبین به اوضاع نگریستند واقع شد و آنها هر یک در سفر-

۱ - در کتاب: شرح زندگی من  
- و همچنین مقاله‌ای هست در این باب بنام: دسته‌گردانی و شبیه‌خوانی از  
چه زمان معمول شد؟ - از: ناصرالدین شاه‌حسینی (اطلاعات ماهانه - شماره ۷ سال  
۱۳۳۲ - ص ۱۹ تا ۲۱)



نامه‌ها و سیاحتنامه‌های بیش و کم دقیق خود شرح‌های کم و بیش جالبی درباره اینها داده‌اند و هر کس میتواند به آنها رجوع کند.

چیزی که در این دسته‌ها جالبست هماهنگی و نرمی حرکات دسته‌جمعی (ریتم‌های دسته‌ها معمولاً ریتم تنفس است، یا نوحه‌ای که یک نفر میخواند، یا سنجی که مینوازند و حرکات بروی آنها تنظیم میشود) و حالت نمایی و گاهی رقصی آنهاست.

به اضافه همسرایی که در خواندن نوحه و غیره هست، و تزئینات مفصل و بانقشهای تجریدی (آبستره) و رنگهای تیره که حرکت می‌دهند و به دسته شکوه و هیبت می‌بخشد.

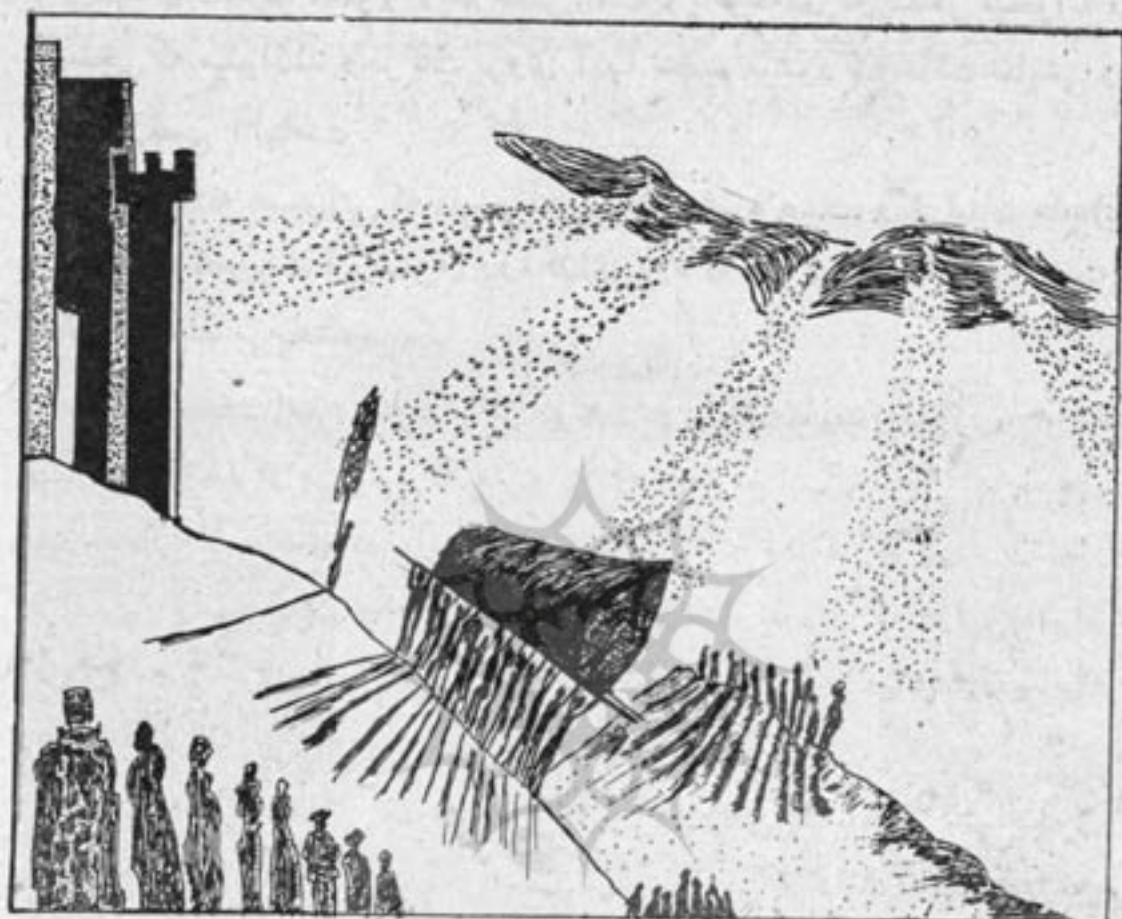
در حقیقت این دسته‌ها يك گونه رنج را که مظهر مطلق رنج باشد علناً بر خود هموار می‌کنند که هم بیاد آورنده مصائب خاندان امام حسین در واقعه کربلا باشد، و هم بابخود خریدن این رنج استغفاری کرده باشند از گناهان و رحمت بیشتری طلب کرده باشند از خداوند. و گاه در این هموار کردن رنج بر خود چنان پیش می‌روند که بازی به ریاضت شبیه میشود، همچنانکه در دسته‌های قمه‌زنی یا قفل بندی و غیره دیده میشود.

جز این دسته‌هایی هم هستند که با حرکت دادن نشانه‌های آشنا بنحوی صریحتر ماجرای کربلا را در ذهن تماشاگران فراوان خود یادآوری میکنند، و آن دسته‌هاییست که عماری یا تابوت شهدا را حمل می‌کنند یا شبیه شهدا را با چهره آرائی افراد دسته میسازند، یا اسب تزئین شده ولی تیر خورده امام را حرکت می‌دهند. و باز دسته‌هایی که با حرکت دادن نشانه‌های سمبلیک واقعه‌ای را دوباره عرضه می‌کنند، که نمونه هایش دسته حرکت نخل است در سنگسر که باید ظهر عاشورا حجله یا نخل بزرگ و سنگین و نظر کرده خاصی را به قلعه قدیمی بالای تپه برسانند، و مهمتر از آن ماجرای قالی شوران است در اردهال.

در اردهال امامزاده‌ای هست بنام امامزاده سلطانعلی، و در کنار ضریحش فرش است که اهالی مقدسش میدانند. هر ساله در جمعه میانه مهر



مراسم عظیمی است و مردم تاده هزار نفر از هر ده و شهر دور و نزدیک برای تماشا جمع میشوند. در میانه روز ناگهان سیصد چهارصد نفر مرد چماق بدست - مثل کسانی که به جهاد میروند - با حرارت بسیار و فریادهای ترسناک



حمل نخل بسوی قلعه

( طرح از ب - همراه )

از راه میرسند. اینها از فین آمده اند که شهری است در جوار کاشان و به اینجا دور. میرسند و میروند قالی را بر میدارند و بهمان طرز به طرف رودخانه میبرندش، و با چوبهای محکم و خیسشان به قالی می گویند و آنرا می شویند، و دوباره با همان تشریفات بر میگردند و آنرا بجایش میگذارند. این قالی در حقیقت مظهر سلطانعلی مقدس است که می گویند قرنهای پیش ( معلوم نیست کی ) مردم فین برای پیشوائی انتخاب کرده بودند ولی پیش از رسیدن

به فین درحوالی اردهال بدست کفار ازپای درآمده بود<sup>۱</sup> .



این فصل کوتاه هم رو به تمامی می‌رود، اما این سخن مانده است که برخی از این دسته‌های شادمانی که شمردیم شباهت فراوانی دارند به برخی کارناوال‌های باستانی لاتن، و بازیگران دوره گردمان به بازیگران دوره گرد قرون وسطی، و برخی از عزاداریها به بازیهای مشابه در همان دوران، و شکل‌های دیگر عزاداری چون همین ماجرای قالی شوران فراوان شبیه است به نمایش بدوی مرگ « Baa1 - بعل » و شستشوی جسد او در رود که در بین النهرین باستان مرسوم بود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

۱ - و می‌گویند که مردم فین که برای نجات دادن او آمده بودند هنگامی رسیدند که جسد تکه تکه اش را یافتند ، پس آنرا در قالی پیچیدند و به آب رودخانه شستند، و جسد را بخاک سپردند و قالی را به ضریح و در روز قالی شوران اگر دست کسی دیگر جز مردم فین به این قالی برسد - که معمولاً نمیرسد - زیر ضربات چماق کشته خواهد شد .